



## درباره نگارش فارسی

اخیراً سند علمی مهمی بوسیله استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران (دکتر سیدجعفر شهیدی - دکتر خسرو فرشیدورد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر علی رواقی - دکتر اسماعیل حاکمی - دکتر برات زنجانی - دکتر امیربانو کریمی و...) بتصویب رسیده است که مبنای جدیدیست برای ویرایش و تصحیح و املاء در مدارس و مراکز نشر، و بنیادیست تازه برای پژوهشهای املاتی در فرهنگستان و مراکز تحقیقی دیگر که متن آن به وزارت آموزش و پرورش و فرهنگستان و مرکز نشر دانشگاهی فرستاده شده و ما آن را بواسطه اهمیتش در اینجا میآوریم که اهل قلم و نویسندگان و ویراستاران و معلمان ادبیات از آن آگاهی یابند و بر طبق آن همه گونه های درست املاتی را بیاموزند و پس از این متصل نوشتن «می» و «ب» و «تست» و «را» و «که» را برای دانش آموزان و نویسندگان غلط نگیرند و پویائی و تحرک بیشتری بخط فارسی بدهند.

۱- مواردی که چند شکل درست در خط موجود است، همه را باید بمردم یاد داد و هیچیک را برای دانش آموزان و نویسندگان نباید غلط گرفت؛ چه غلط شمردن این موارد، خود غلطی قاحش است مثلاً اتصال و انفصال «می» و «است» و «را» همه صحیح است یعنی هم «می رود» و «خوبست» و «آنها» درست است، و هم «می رود» و «خوب است» و «آن را».

۲- ویراستاران و ناشران و روزنامه نگاران، باید دست مؤلفان را در نوشتن این موارد صحیح باز گذارند و امکان دهند که نویسنده بهر صورت درستی که میل دارد، بنویسد چه تحمیل یک صورت نگارشی، نه تنها کار، فرهنگی و علمی نیست بلکه خود نوعی سانسور و اختناق املاتی است که شایسته دانش و فرهنگ کهنسال ایران نیست.

اینک مواردی از خط فارسی که دارای دو یا چند صورت درست است بیپوست عرضه میشود تا کار معلمان و

اینک متن تصویبنامه استادان یادشده درباره املای فارسی:

از آنجا که خط فارسی از ارکان مهم فرهنگ ایرانست و در حفظ و تهذیب آن کوشش فراوانی باید بعمل آید و از آنجا



دانش آموزان و ویراستاران و ناشران و روزنامه نگاران آسان گردد و از این بعد تحجر و سانسور و اختناق املاتی از کشور مارخت بر بندد:

۱- کلمات پر استعمال و کوتاه فارسی را اهل زبان طبق قانون اصل زحمت کمتر و بنا بر قاعده کوتاه شدن سخن پر استعمال بعناصر دیگر میچسبانند. کلماتی که بکلمه دیگر میچسبند معمولاً جزء حروف یا عناصر کوتاه دستورینند از این قبیلند: را، یک، آن، این، ای، ده، پنج، «که» و برخی دیگر. البته جدا نوشتن این کلمات بهتر است اما سرهم نوشتنشان نیز غلط نیست. مثال:

آنست	آن است
مردیکه	مردی که
یکروز	یک روز
پنجروز	پنج روز
دهسال	ده سال
ایزن	ای زن
ایندم	این دم
آنرا	آن را
آنستکه	آن است که

۲- «یم» و «ید» و «ی» مصدری و نسبت و خطاب و نکره، اگر پس از مصوت بلند «ا» و «و» یا مصوت کوتاه ضمه قرار گیرند بدو صورت نوشته می شوند یکی با «ی» و دیگری با «ئی» مثال:

ی مصدری:	هنر نمائی	هنر نمایی
ی نسبت:	آسیائی	آسیایی
ی نکره:	جائی	جایی
ی خطاب:	میگونی	میگویی
یم:	میگوئیم	میگوئیم
ید:	میگوئید	میگوئید

دو: دوئی دویی  
۳- بسیاری از کلمات مرکب مانند پاک نهاد و پاکدل یا پاک نهاد و پاک دل.

۴- «می»، «ست» و «ند» را می توان دو نوع نوشت، زیرا هیچ قسم آن غلط نیست. یعنی این عناصر را هم میتوان جدا نوشت و هم چسبیده. البته چسباندن «می» و «ست» و «ند» بهتر است مگر در موارد استثنائی.

۵- «ب» حرف اضافه بسبب آنکه از کلمات متصل است باید بکلمه بعد از خود بچسبد اما چون اخیراً عده ای مردم را عادت داده اند که آنرا جدا بنویسند سوا نوشتنشان نیز جایز است. اصولاً کلمات متصل (ضمایر متصل، فعلهای متصل و «ب» حرف اضافه) را باید بکلمات هم نشین آنها چسباند. عذر نوشتن کلمات عربی تبار نیز باید دست نویسندگان و ویراستاران را باز گذاشت یعنی مردم میتوانند اینگونه واژه ها را هم شبیه اصل عربی آن بنویسند و هم بشکلی که در فارسی رایج شده است، از این قبیلند این موارد:

الف- الفهای مقصور جز در اسمهای خاص و «الی» و «حتی» و «علی»، هم با «ی» نوشته میشوند و هم با «ا» مانند: اعلی، مقتدی، فتوی، تقوی، منتهی، مقوی، منقی، مربی و مصفی که آنها را علاوه بر آنچه دیده میشود با الف هم میتوان نوشت مثل: اعلا، مبتلا، مقوا و غیره.

ب- کلمات تنوین دار پایان یافته با «ء» و تاء مربوطه (ة یا ة) را میتوان بدو صورت نوشت. یکی بشکلی که در عربی رایجست مانند: طبیعه، نسبة، حقیقه، عجاله، جزء، استثناء و دیگر بقسمی که بعضی از مردم مینویسند. یعنی بر روی «الف» مثال: طبیعتاً، عجالتاً، جزئاً، استثنائاً و غیره.

ج- قرائت، دنائت، برائت، بدائت، اسائت و ارائه را میتوان بصورت مقتبس از اصل عربی آن هم نوشت. یعنی باین صورت: قراءت، دناءت، براءت، بداءت، اساءت و

اراءة که البته قسم نخست آن بهتر است. د- کلماتی مانند شتون، مسئول، رثوف، مرثوس، جرث، هیئت، مسئله و همانندهای آنرا، هم میتوان بشکلی که دیدیم نوشت و هم بصورت مقتبس از عربی آن یعنی باین نحو: شوون، مسؤول، رؤوف، رؤوس، مرؤوس، جرأت، نشأت، هیأت و مسأله. البته هیئت را در عربی بر روی کرسی یاء هم مینویسند (بشکل «هیئة»).

ه- قضات، دعوات، حیات و صلوات را میتوان بصورت: قضاة، دعاة، حیوة و صلوة هم نوشت، اما شکل نخست آن مناسبتر است.

و- مسائل، صائب، قائل، مصائب، تخطئه، تبرئه، توطئه، زائر، صائم، ناثم، قائم، و بعضی دیگر را بهتر است بشکلی که دیدیم نوشت نه بصورت: مسایل، صایب، سایل... زیرا صورت رایج آنها در فارسی چنانست.

یادآوری ۱- آوردن «ی» بعد از کلماتی که با واو بیان ضمه یا واو معادل «w» (مانند نو و خسرو) و کسره پایان مییابند، درست نیست و باید از آن پرهیز کرد. مانند مواردی از قبیل: «جلوی من»، «پلوی چرب»، «اطاق شماره دوی مهمانخانه»، «توی بیچاره»، «خسروی نامدار» و «شعرنوی فارسی» که شکل صحیح آنها چنین است: جلو من، پلو چرب، اطاق شماره دو مهمانخانه، شعر نو فارسی، رادیو شما و خودرو او.

یادآوری ۲- هر جا دندانها زیاد و خواندن دشوار شود، عناصری مانند: «بی» و «ب» حرف اضافه و «ی» و «ب» و «ن» پیشوند فعل را میتوان جدا نوشت. مثال: به بینیم، نه بینیم، می بینیم.

یادآوری ۳- این رسم الخط، مربوط با آثار معاصر است نه قدیم و هنگام چاپ آثار کهن باید رسم الخط اصل کتاب حفظ شود؛ بخصوص در اشعار؛ مگر در مواردی که مصحح

تغییر املاء را قید کند. بنابراین جدا کردن «ب» و «می» های چسبیده و همانندهای آن در متون قدیم درست نیست و برخلاف امانت ادبی و اصول علمییست؛ چه بتعبیر زبانشناسان گونه های نو و کهن زبان و خط را نباید باهم مخلوط کرد.

یادآوری ۴- آوردن «ی» بعد از کلمات پایان یافته با «ه» غیر ملفوظ، هنگامی که این واژه ها مضاف یا موصوف باشند مناسب نیست، اگرچه عده ای در املاء خود این کار را میکنند، یعنی نوشتن عباراتی بصورت «خانه ی من» یا «آشیانه ی تمیز» خوب نیست و بهترش «خانه من» و «آشیانه تمیز» است.

\*\*\*

ضمناً در کتابهای درسی و نامه فرهنگستان تصرفات تازه دیگری در املاء فارسی صورت گرفته است که معلوم نیست تا چه حد علمی و موجه است و تا چه اندازه سبب پیشرفت خط و فرهنگ و تعمیم است. از آن جمله است جدا کردن «ها»ی جمع و اجزاء کلمات مرکب. مثلاً کلماتی مانند دانشگاه و دانشجو دلکش و گلها و دلها را باین صورتها نوشته اند: دانش گاه، دانش جو، دل کش، گل ها، دل ها و همچنین کسرة اضافه و وصفی را پس از «ه» بیان حرکت بشکل «ی» آورده و «ی» های چسبیده به «ی» دیگر را «ای» نوشته اند یعنی چنین صورتهائی در آثار یادشده بچشم می خورد: دانه ی درشت، طوطی ای و قوطی ای بجای خانه من و دانه درشت و طوطی یا قوطی یا طوطی و قوطی که قبلاً نوشته میشد.

باید دید این تغییرات املائی که نوعی تغییر خطست، چه فایده ای برای خط و زبان ما دارد و کسانی که چنین کارهائی میکنند چه تخصص در املاء و خط فارسی دارند. تا جائیکه ما میدانیم بسیاری از پیشنهادکنندگان این «اصلاحات» طبق

صورتی که در نامه فرهنگستان آمده است بیشتر مترجم و استاد زبان خارجی و «ویراستار» و «زبان‌شناس» هستند نه متخصص املای فارسی.

باز باید پرسید این کار و کاری که سی سال پیش درباره خط فارسی صورت گرفت و مثلاً حرف اضافه متصل «ب» را که همه مردم در طول قرن‌ها چسبیده مینوشتند همه جا جدایش کردند و برخلاف املای سعدی و حافظ و بهار و دهخدا و همائی و قزوینی و اقبال قدم برداشتند چه سودی برای خط و فرهنگ و آموزش مملکت ما داشت فقط میدانیم نسلی که با این املاء بزرگ شده اند اکنون لغتنامه دهخدا و فرهنگ معین و کتابهای چاپی استادان بزرگ گذشته و حال را بسختی میخوانند زیرا آن بزرگان «می» و «ب» و «است» را متصل مینوشته اند.

آنچه مسلمست املاء سازان سی سال پیش و امروز سبب گسستگی املائی و فرهنگی شده و میشوند.

از این رو ما مسأله املای فارسی و اصلاح آن را (اگر لازم باشد) بحث میگذاریم که سبب روشنی ذهن مردم و فرهنگستانیان و اهل قلم شود و ضمناً پیشنهاد میکنیم فرهنگستان و مراجع دولتی در کار خط فارسی شتاب بخارج ندهند و پیش از تأمل و تحقیق کافی و نظرخواهی از متخصصان و استادان دیگر زبان و ادبیات، نظریات خود را در کتابهای درسی اعمال نکنند تا مثل سابق رسم الخطی غیر علمی در مملکت اجرا نشود و برای مردم دردسر ایجاد نگردد. در خبرنامه یادشده وعده داده شده است که سرعت برق یعنی تا تابستان آینده «اصلاحات» تازه ای در خط فارسی بعمل آید آن هم بوسیله کسانی که یا متخصص نیستند یا طرفدار تغییر خطند یا تغییرات ناموجهی در املاء فارسی صورت داده اند. در حالیکه تصمیم درباره رسم الخط فارسی مستلزم سالها تحقیق است آنهم بوسیله متخصصان برجسته و

این مهم با دو سه ماه کار سروسامان نخواهد گرفت. وانگهی خط فارسی بر خلاف نظر دشمنان فرهنگ ما یکی از بهترین خطوط دنیاست و وسیله ارتباط صدها میلیون مسلمان جهان اعم از ایرانی و عربست و نیازی بتغییر یا اصلاح ندارد که عده ای باصطلاح «مصلح» بجان آن افتاده اند و میخواهند مسخش کنند و مثل سی سال پیش سرودستش را بشکنند.

از طرفی وظیفه فرهنگستان لغت سازی و تغییر و اصلاح خط نیست و فقط در کشورهای عقب مانده مشتی سره نویس اندک خوانده و بیخبر از خط و فرهنگ صاحب غرض که میخواهند خود را قیم زبان و خط فارسی کنند و خط و زبان نفیس ما را تغییر دهند برای این مؤسسه چنین وظیفه ای تراشیده اند که در آن نفوذ کنند و با این اهرم خط و زبان ما را بتباهی بکشانند. اینان در نظام سابق، فرهنگستان زبان و فرهنگستانهای دیگر بوجود آوردند و لغتهای غلط و غیر فصیح و برخلاف روح زبان فارسی مانند ترابری و بانک و تیمسار و پدافند و پیراپزشکی ساختند؛ در خط تصرف نابجا کردند که در جمع بسبب گسستگی فرهنگی و زبانی و املائی میباشد و گرنه جز در نظامهای استبدادی کمونیستی و غیر کمونیستی فرهنگستان، لغت سازی و املاء تراشی نمیکند چه تنها مترجمان و شاعران و نویسندگان و دانشمندان برجسته و مردم عادیند که لغت میسازند و سبب پیشرفت و تحول زبان میشوند نه فرهنگستان یا دولت آن هم فرهنگستانی مانند فرهنگستان زبان سابق که بوسیله منحرفان و سره نویسان و واپس گرایان زبانی بوجود آمده بود. ■

باتشکر از آقای دکتر فرشیدورد که متن فوق

را در اختیار مجله آشنا قرار دادند.